

پیداری، روح عزاداری



علی مختاری

اهمیت سوگواری

سوگواری برای عزیز از دست رفته، طبیعی بشر است و برخاسته از مهر و محبت، ولی اگر فرد از دست رفته، شهید، یا بزرگ باشد و در راه خدا جانبازی کرده باشد، عزایش گذشته از مهر، رنگ حیاتی و صبغه الهی دارد. عزای شهید مایه تکامل و موجب زنده نگه داشتن شهادت است.

اگر عزاداری پیشوای شهیدان نبود، کسی امروز امام حسین علیه السلام را نمی شناخت، راه حسین گم شده بود، و بشریت از هدایت‌های اهل بیت علیهم السلام بی بهره و محروم بود.

اگر سوگواری امام حسین علیه السلام نبود، کسی امروز یزید و راه یزیدیان را نمی شناخت و سعادت بشری تأمین نمی شد. حسین شهید و شهادت حسینی، رهبر اجتماع بشری است، در همه زمانها و همه مکانها.

سوگواری برای شهید، نفرت طبیعی را به سوی ظالم و ستمگر برمی انگیزد، و ناله‌ها و اشکها، سندهای زنده ظلم ظالمان می باشند.

سوگواری شهید، در پرورش اجتماع و آموزش مردم، تأثیر کلی دارد و عزای او، هدفش را احیا می کند.

عاطفه بشری مهم ترین محرک

این جریان مطلع شدند، موضوع را با حضرت فاطمه علیها السلام و زنان مدینه در میان گذاردند و سپس زنان در خانه حمزه به سوگواری پرداختند^۳ و عبدالله بن رواحه، قصیده پرشوری سرود.^۴

همچنین با شنیدن خبر شهادت جعفر بن ابی طالب، برادر علی علیه السلام معروف به جعفر طیار - که در غزوه موته در جنگ با رومیان در ۳۳ سالگی شهید شد - حضرت رسول صلی الله علیه و آله به خانه اسماء بنت عمیس، همسر شهید می‌رود و به او تسلیت می‌گوید. آن‌گاه به خانه فاطمه علیها السلام می‌رود و با مشاهده اشک و آه فاطمه علیها السلام می‌فرماید: «علی مثل جعفر قُلتک البواکی؛^۵ باید گریه کنندگان بر شخصیتی همچون جعفر گریه کنند».

امام صادق علیه السلام از یکی از شیعیانش به نام فضیل پرسید: آیا

بشر است؛ اگر به سوی خیر رهنما گردد بشر را خوشبخت و اگر به سوی شر رهنما شود، بشر را بدبخت می‌کند. دعوت اشک، بازبان نیست، با قلم و یار رسانه نیست، دعوت اشک، دعوت با دل است. و دلربایی در تبلیغ، مؤثرترین حربه است. و این ابزار تنها به دست راهروان حسینی است.

بی‌جهت نیست که برای عزاداری اجر جزیل منظور شده است و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام گردیده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی عمومی خود حمزه را در احد در خون شناور می‌بیند گریه می‌کند.^۱

و آن‌گاه که به شهر برمی‌گردد و مشاهده می‌کند، در خانه‌های قبیله «بنی‌اشهل» و «بنی‌ظفر» برای شهیدانشان صدای گریه بلند است، او نیز گریه می‌کند و از اینکه حضرت حمزه گریه‌کننده نداشت، ناراحت می‌شود و می‌فرماید: «لَکِنَّ حَمَزَةَ لَا بَوَاکِی لَهَ الْیَوْمَ؛ ولیکن امروز حمزه گریه‌کننده ندارد».^۲

سعد بن معاذ و اسید بن خضیر از

۱. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲. همان.

۳. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۹۹.

۴. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۷۵.

۵. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۷۶؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۸۹.

یکی از آن روایات سخن امام باقر علیه السلام است که فرمود: «بَكَتَ الْإِنْسُ وَالْجَنُّ وَالطَّيْرُ وَالْوَحُوشُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام حَتَّى ذَرَفَتْ دُمُوعُهَا؛ آنس و جن و پرندگان و وحشیان بر حسین بن علی علیه السلام آنقدر گریستند تا اشکشان روان شد».

گویا عاشورا قلب هستی است که جهان را متأثر می‌سازد. و باید زنده و جاوید بماند.

گریه حضرت رسول بر امام

حسین علیه السلام

عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در غرفه‌ای بود که بر آن حضرت وحی نازل می‌شد، به من سفارش کرد کسی وارد آن جان نشود. در آن هنگام، حسین - که در آن دوران کودکی بود - نزد حضرت رفت، جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده بود: زمانی نمی‌گذرد که افرادی از ملت تو این کودک را در سرزمین «طف» از خاک عراق، شهید می‌کنند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست. جبرئیل چنین تسلیت گفت: «لا

تشکیل جلسه و نقل حدیث دارید؟ فضیل پاسخ مثبت می‌دهد، امام علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِيسَ أَحَبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، وَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا، يَا فَضِيلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ، فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ؛ براستی دوست دارم چنین جلساتی را، پس امر ما (ولایت و رهبری ما) را احیا کنید، رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را زنده کند، ای فضیل! هر که ما را یاد کند یا ما نزدش یاد شویم و در نتیجه از چشمش به قدر بال پشه‌ای اشک بیرون آید، خداوند گناهانش را بپامزد...»

گریه بر امام حسین علیه السلام

خیمه ماه محرم زده شد در دل ما
باز نام تو شده زینت هر محفل ما
جز غم عشق تو ما را نبود سودایی
عشق سوزان تو آغشته به آب و گل ما
با فرارسیدن عزای سید
الشهداء علیه السلام، عالم و آدم و زمان و زمین
سوگوار و گریان می‌گردد. عالم
بزرگوار، جعفر بن قولویه، در باب ۱۶،
از کتاب کامل الزیارات با عنوان «بکاء
جمع ما خلق الله علی الحسین بن علی
علیه السلام» پنج صفحه روایت آورده است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

۲. کامل الزیارات، ص ۸۲، باب ۲۶، ح ۱.

تَبَكِّ، فَسَوْفَ يَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُمْ، بِقَائِمِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؛ اگر چه مکن؛ زیرا به زودی خداوند به دست قائم شما اهل بیت از آنان انتقام می گیرد».

در بیان امام باقر علیه السلام آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ الْحُسَيْنُ جَدَبَهُ إِلَيْهِ... فَيَقْبَلُهُ وَيَبْكِي... فَيَقُولُ: يَا بَنِيَّ أَقْبَلُ مَوْضِعَ السُّيُوفِ مِنْكَ...»^۱ سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که هر گاه حسین علیه السلام وارد می شد، او را به خود جذب می کرد... پس او را می بوسید و می گریست... پس می فرمود: فرزندم! جای شمشیرها را بر بدنت می بوسم».

گریه امام علی علیه السلام

ابن عباس می گوید: هنگام رفتن به جنگ صفین از نینوا می گذشتیم، آن حضرت گریه مفصلی کرد به طوری که اشک از روی محاسن او جاری شد، ما هم همصدا با علی علیه السلام گریستیم... فرمود: در این سرزمین هفده نفر از فرزندان من و فاطمه به شهادت می رسند و به آغوش خاک می روند»^۲.

گریه فاطمه زهرا علیه السلام

طبق روایت امام صادق علیه السلام، روزی فاطمه علیه السلام به محضر رسول

خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد و حضرت را گریان یافت، از علت گریه پرسید: حضرت رسول فرمود: جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که حسین علیه السلام را گروهی از امت من به قتل می رسانند. فاطمه علیه السلام نیز با شنیدن این خبر سخت نگران شد و گریه و ناله سر داد، اما وقتی از مقام بلند فرزند خویش به خاطر شهادت آگاه گردید، آرامش و تسکین یافت»^۳.

گریه امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام به ابوهارون مکفوف دستور می دهد مرثیه بسراید، و آن گاه که وی مرثیه خود را می خواند، مشاهده می نماید که امام علیه السلام سخت گریه می کند، و متوجه می شود که از صدای گریه امام صادق علیه السلام زنانی که پشت پرده حضور داشته اند، صدای خود را به گریه و شیون بلند کرده اند، بعد امام علیه السلام فرمود: «مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ علیه السلام شِعْرًا، فَبَكَى وَأَبْكَى عَشْرًا، كُتِبَ

۱. بحار، ج ۳۶، ص ۳۴۹.

۲. کامل الزیارات، ص ۶۸-۶۹، باب ۲۲، ج ۴.

۳. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۵۳.

۴. ره توشه راهیان نور، محرم ۱۴۱۸، ص ۳۴۰، از کامل الزیارات، ص ۵۷.

شیطان بزرگ و کوچک و بت طاغوت در دلهاست. در این وضعیت از مردم معمولی - که زیر بمباران تبلیغاتی استکبار و ایادی داخلی آنها هستند - انتظاری نیست؛ ولی چرا روحانیان و مداحان و... احیانا مقلد یا چاپلوس عوام می‌شوند؟

امروز نیازمند تبر ابراهیمی و دست توانمند علوی هستیم که با کمک پیامبران، بتهای استکباری را بشکند تا طواف عزاداری بر محوریت امامت حق بچرخد، نه بر کعبه آن دل‌هایی که باغ وحشی از حیوانات و شیاطین الانس والجن است.

چه شده است که سیره امامان علیهم‌السلام مثل برخورد امام هفتم علیه‌السلام با ابراهیم جمال که تنها به سبب کرایه دادن شترانش به مأمون و علاقمندی به بازگشت او از سفر حج و پرداخت مال الاجاره، مذمت شد، از یاد رفته است؟ نمونه عزاداری زنده، شعار حماسی عزاداران ایران در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ مصادف با ۱۲ محرم بود و

لَهُ الْجَنَّةُ...^۱ هر که درباره حسین علیه‌السلام شعری بخواند و در نتیجه بگرید و ده نفر را بگریاند، بهشت برایش مقرر شود...».

در حدیث دیگر از ابوهارون مکفوف روایت شده است: هنگامی که در محضر امام صادق علیه‌السلام شعری خواندم، فرمود: «لَا، كَمَا تُنْشِدُونَ وَ كَمَا تُرْتَبِعُهُ عِنْدَ قَبْرِهِ؛ نه [این گونه نخوان بلکه] همان گونه که خودتان [با لحن و صوت حزین و آواز] می‌خوانید و همان طور که کنار قبر حسین علیه‌السلام می‌خوانی؛ بخوان». آن‌گاه خواندم:

«أَمْرٌ عَلَى جَدِّهِ الْحُسَيْنِ

فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ...»
و امام که گریان شد، سکوت کردم، پس فرمودند: «مرور کن؛ دوباره خواندم، سپس فرمود: بیشتر بخوان، دوباره اشعاری را خواندم، حضرت گریست، زنان هم منقلب شدند...».^۲

عزاداری زنده یا بی‌روح

با کمال تأسف اکنون بسیاری از عزاداریها مرده و بی‌روح است. هم نام الله و حسین علیه‌السلام بر زبانها و هم محبت

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۱۱، باب ۳۳، ح ۱.

۲. همان، ص ۱۱۳، ح ۵.

کلیدی‌ترین ارکان دین است، همان گونه که حضرت ابو عبدالله علیه السلام می‌فرماید: «وَنَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ أَوْلَىٰ بِوَلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الْمُدْعَيْنِ مَا لَيْسَ لَهُمْ؛^۱ ما خاندان پیامبر بر تصدی این امر [و خلافت و حکومت بر شما] از این مدعیان ناحق، سزاوارتریم».

این روزها که حیثیت، عزت، ثروت و شخصیت مسلمانان در افغانستان، عراق و فلسطین لگدمال هوسبازیهای آمریکا و صهیونیستهاست و گوشه‌ای از برباد رفتن عزت و ناموس مردم در زندانهای ابوغریب، گوانتانامو... نمودار شده است، اهمیت رهبری دینی بیشتر روشن می‌شود.

هیچ کس جز اهل بیت علیهم السلام لیاقت سروری ندارد و نوکری اینان افتخار ماست. دریغ است که یوسف زهرا علیها السلام به ثمن بخش و دراهم معدوده فروخته شود و در خط ابن سعدهایی قدم نهیم که در طمع ملک ری به سرپرستی آمریکا تلاش می‌کنند.

مراسمی که در آستانه پیروزی انقلاب بویژه عاشورا، تاسوعا و اربعین انجام شد و مهم‌ترین عامل سرنگونی طاغوت، و عامل پیروزی انقلاب گردید.

به عنوان نمونه کوچک دیگر، نوارهای نوحه سینه‌زنی که پیش از انقلاب در شهرستان جهرم تهیه و به سرعت در سراسر کشور منتشر شد، بسیار آموزنده بود. در آن مراسم عزاداران در هنگام رویارویی با مجسمه شاه در میدان شهر با مشت‌گره کرده فریاد می‌زدند:

«کاخت کنیم زیر و زبر، یابنِ مرجانه

ای ظالم بیدادگر، یابنِ مرجانه»

و این نشان می‌داد که ابن مرجانه

امروز، شاه پلید است.

روح نهضت حسینی

عاشورا درسها و پیامهای فراوانی دارد، خوشبختانه اخیرا کتابهایی نظیر «پیامهای عاشورا» «عبرت‌های عاشورا» «آذرخشی دیگر از آسمان کربلا» منتشر شده است؛ ولی روح نهضت حسینی یک کلمه است؛ یعنی ولایت و رهبری حق، که از مهم‌ترین و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.